

افلاطون

ریچارد مروین هر

ترجمه‌ی

محمدهادی مهریزی

نشر فارابی

۱۳۹۵

افلاطون

ریچارد مروین هر

مترجم: ملیحه ابوبی مهریزی

ویراستار: محمد ابراهیم باسط

طراح جلد: علیرضا شیرنگی

چاپ اول: ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

هی-توق محفوظ است

مشخصات کتابشناسی کتابخانه ملی

سرشناسه: هر، ریچارد مروین

Hare, Richard Mervyn

عنوان و نام پدیدآور: افلاطون / ریچارد مروین هر مترجم ملیحه ابوبی مهریزی

مشخصات نشر: تهران: نشر فارسی، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری: ز، ۱۲۹ ص

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۱۹۸-۲-۵

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Plato, 1982

یادداشت: نمایه

موضوع: افلاطون، ۴۲۷ - ۳۴۷ ق.م.

موضوع: Plato

شناسه افزوده: ابوبی مهریزی، ملیحه، ۱۳۵۳-، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷ الف ۹ هـ / B۳۹۵

رده‌بندی دیویی: ۱۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۳۰۰۴۶

فهرست مطالب

۵	دیده چهره مترجم
۱	پیشگفتار
۳	۱. زندگی و زمانه
۱۵	۲. پیشینیان افلاطون
۲۵	۳. افلاطون چطور تفکر می‌کرد
۳۷	۴. فهمیدن افلاطون
۴۵	۵. شناخت اشیاء
۵۹	۶. تعریف، دیالکتیک و امر خوب
۷۱	۷. تعلیم و تربیت و زندگی خوب
۷۹	۸. ذهن چندپاره
۸۷	۹. حکومت اقتداگرا
۱۰۳	۱۰. دستاورد افلاطون
۱۱۳	برای مطالعه‌ی بیشتر
۱۱۵	ارجاعات
۱۱۹	فهرست نام‌های خاص
۱۲۵	نمایه

دیباچه‌ی مترجم

ریچارد مرون هر (۲۰۰۲-۱۹۱۹) یکی از فیلسوفان برجسته و بنام فلسفه‌ی اخلاق قرن بیستم است که در این حوزه آرا و نظرات بسیار مهم و تأثیرگذاری دارد؛ از جمله آثار عمده‌ی وی می‌توان به زبان اخلاق^۱ (۱۹۵۲) و آزادی و عقل (۱۹۶۳) اشاره کرد. بررسی‌های پرکاری بوده به فلسفه یونان نیز پرداخته است و حاصل آن کتابی است که در دست دارید، و همچنین کتاب فیلسوفان یونان (۱۹۹۹).

کتاب حاضر شرح مختصر و بسیار مفیدی از فلسفه‌ی افلاطون به دست می‌دهد که در عین اختصار و ایجاز به کلیه‌ی تری‌ن و محوری‌ترین آموزه‌ها و نظریه‌های افلاطون در حوزه‌های مختلف از جمله بعدالطبیعه، شناخت‌شناسی، فلسفه‌ی اخلاق، فلسفه‌ی سیاست و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت می‌پردازد.

هدف هر از پرداختن به فلسفه‌ی افلاطون، همان مابعد که خود بیان می‌کند، این است که نشان دهد مسائل و موضوعاتی که در فلسفه‌ی افلاطون به آنها پرداخته شده و افلاطون راجع به آنها فلسفه‌ورزی کرده است چقدر می‌توانند -و گویی باید- از مسائل دوران ما به حساب آیند؛ مسائل و موضوعاتی که همچنان بایسته است هر فیلسوف و اندیشمندی به آنها بپردازد، مانند فلسفه‌ی سیاست و فلسفه‌ی تعلیم و تربیت.

۱. این کتاب به همت آقای امیر دیوانی به فارسی برگردانده شده است.

بدین منظور، هر ضمن ارائه‌ی شرحی بسیار جذاب و گیرا از زمینه‌ها و خاستگاه‌های فکری و فلسفی افلاطون، که تأثیر بسزایی در ایجاد مسائل فلسفی برای وی داشتند و حتی در شکل‌گیری و چگونگی فلسفه‌ی او نقش داشتند، گویی دو جنبه متمایز فکری را در نظام فلسفی افلاطون باز می‌شناسد: (۱) جنبه‌ی فکری که بر وجود حقایق همیشه جاودان و نامتغیر، یعنی ایده‌ها، تأکید می‌کند. برای اثبات آنها از زبان تمثیل، استعاره و اسطوره بهره می‌جوید. بر این اساس هر افلاطون را طرفدار فلسفه‌ی ابدی (perennial philosophy) و متأثر از سنت‌های فلسفی و عرفانی پیش از خود مانند فیثاغوریان می‌داند. هر برای این جنبه فکری افلاطون به نرمندی، شخصیتی به نام پاتو (Pato)^۲ را خلق می‌کند که نمایندگی این جنبه را بر عهده دارد. (۲) جنبه‌ی فکری که بیشتر به تعریف و تحلیل مسائل فلسفی بدون مسائل صرف به ایده‌ها، می‌پردازد و از زبان دقیق‌تر و منطقی در پژوهش‌های فلسفی بهره می‌گیرد و همچنین به علم، ریاضیات و منطق توجه ویژه‌ای دارد. برای این جنبه از فکر افلاطون نیز هر شخصیتی به نام لاتو (Lato)^۳ را می‌آفریند. در مواردی هر این دو شخصیت را روبه‌روی هم قرار می‌دهد و می‌کوشد یک موضوع را بر اساس نظرگاه هر یک از آنها مورد بررسی قرار دهد و نتایج هر یک را مقابله چشم‌های خواننده قرار دهد. بنا بر عقیده‌ی هر، این دو جنبه‌ی فکری در فلسفه‌ی افلاطون بسیار متفاوت و حتی متعارض هستند، از این رو وی معتقد است بین کسانی که خود را افلاطونی می‌دانند تفاوت‌های بسیاری را می‌توان مشاهده کرد.

با این حال، در سراسر کتاب حاضر تلاش هر بر آن است که شرحی منصفانه از فلسفه‌ی افلاطون و مسائلی که وی با آنها درگیر بوده است عرضه کند و مطلبی را به وی تحمیل نکند و همچنین انتظاری بیش از آنچه لازم است از افلاطون نداشته باشد، و به خواننده یادآور می‌شود هر چند که بسیاری از آرا و نظرات فیلسوفان بعدی را در نظام فلسفی افلاطون می‌بینیم، اما آنها چیزی بیش از

بذر نیستند، در نتیجه بسیاری از مسائل فلسفی برای افلاطون مطرح نبوده‌اند یا وی بر خلاف ما مجهز به اصطلاحات دقیق و فنی فلسفی نبوده است، چرا که افلاطون در آغاز تاریخ فلسفه قرار دارد.

لازم به ذکر است تلاش شده است تا در ترجمه اصل یکسانی و یکدستی رعایت شود. نمونه‌ی بارز آن ترجمه‌ی کلمه‌ی «good» است که در سرتاسر کتاب به «خوب» ترجمه شده است و هر جا که نویسنده این کلمه را برجسته کرده یا به صورت «the Good» نوشته است در ترجمه هم منعکس شده، یعنی به صورت برجسته نوشته شده یا به امر خوب برگردانده شده است. زیرا بر این باوریم که کلمه «خوب» در فارسی همچون «good» در زبان انگلیسی توانایی انتقال معنا در زمینه‌ی انسانی، زیبایی‌شناسی و مابعدالطبیعه را داراست.

سخن آخر این که ترجمه‌ی این متن با تلاش آقای محمد ابراهیم باسط با اصل انگلیسی کتاب، مقابله و همچنین ویرایش شده است. زحمات ایشان در رساتر و دقیق‌تر شدن ترجمه بسیار مؤثر بوده است. بدین وسیله مراتب تشکر خود را از ایشان اعلام می‌دارم. بدیهی است که مترجم خود را مسئول هر گونه کاستی در ترجمه می‌داند.

ملیحه ابونی مهریزی

پیشگفتار

هدف این کتاب آن نیست که همچون افزوده‌ای بر آثار فراوان و فزاینده‌ی پژوهش‌های افلاطونی باشد، بلکه بناست مایه‌ی تشویق و کمک به افراد عادی‌ای شود که خواهان آشنایی با افلاطون هستند. به همین دلیل، در کل بر محاوره‌های آسان‌تر، یعنی محاوره‌های رایج و میانی، تمرکز کرده‌ام، گرچه محاوره‌های متأخر نیز کاملاً مورد غفلت قرار نگرفته‌اند. با اطمینان می‌توان گفت که هر جمله‌ای در تفسیر افلاطون گفته شود پاره‌ها و سگ‌ها خواهد بود که آن را به چالش بکشد. من کوشیده‌ام آنچه را به گمانم او انجام داده است، به نحوی که قابل فهم باشد، توضیح دهم؛ اما محدودیت‌های یک کتاب عمومی، من اجازه‌ی دفاع از دیدگاه‌هایم را ورای چند ارجاع به متن نمی‌دهد. تصور نمی‌کنم دیدگاه‌هایم همگی نامتعارف باشند، و جایی که اختلاف زیادی وجود دارد سعی کرده‌ام آن را پوشیده نگه ندارم. بیش از همه، هدفم نشان دادن این بوده است که مدرسه‌های افلاطون چقدر با پرسش‌هایی که امروزه برای ما گرفتاری ایجاد می‌کنند، یابیدار بمانند، مرتبط هستند، از جمله برخی مسائل بسیار عملی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت و سیاست. برای نشان دادن این مطلب گاهی به نام‌های اندیشمندان دوران جدید اشاره کرده‌ام؛ ولی خواننده‌ای که این نام‌ها برایش معنایی ندارند، هیچ چیز مهمی را در شرح من از افلاطون از دست نخواهد داد.

به منظور تمرکز بر آنچه به تصور من هسته‌ی اصلی فلسفه‌ی افلاطون است،

به ناچار از بسیاری مطالب جالب و مهم چشم‌پوشی کرده‌ام. به ویژه دوست داشتم بیشتر درباره‌ی دیدگاه‌های او درباره‌ی عشق و درباره‌ی هنر حرف می‌زدم. به گمانم ضرورتی نداشت که بر سرشت ادبی و نمایشی بی‌نظیر محاوره‌های افلاطون تأکید کنم؛ این محاوره‌ها هنوز هم همان قدر تازه و فرح‌بخش‌اند که همیشه بوده‌اند، و از این جهت یازی به بازار گرمی ندارند.

تعدادی از همکارانم آن قدر با لطف و محبت بودند که تقاضایم را برای بررسی و نقادانه‌ی مایشین‌شده‌ی کتاب پذیرفتند، از بین آنها می‌توان به سر کینت دور، استاد آکریل و موراوچیک، جانانان بارنز، راسل میگز، کریستوفر تیلور و جولینس تأثیر اشاره کرد. هرچند همه‌ی آنان به طور غیر قابل مقایسه‌ای افلاطون را بهتر از من می‌شناختند، آن قدر خودرأی بوده‌ام که همیشه نظرشان را نپذیرم؛ اما به هر حال بسیار مریور آنان هستم. هرگز تألیف این کتاب را متقبل نمی‌شدم، چه برسد به این سخنش منم، اگر از امتیاز گذراندن کل سال ۱۹۸۰ در مرکز مطالعات پیشرفته در علوم رفتاری در استنفورد برخوردار نبودم، جایی که چنان شاد و فارغ از نگرانی بودم که مطالب کتاب حاضر و کتاب حجیم‌تر دیگری از ماشین تحریرم بدون وقفه‌ها و ناکامی‌های عمل جاری می‌شد. از مدیر و کارمندان این مرکز و از دانشگاه آکسفورد، که به من اجازه یافتن به آنجا را داد، بسیار سپاس‌گزارم.

برای پرهیز از آوردن پانویس، به جز ارجاعات به آثار افلاطون که در متن داخل پرانتز هستند، اندک ارجاعات دیگری که در متن هستند به پایان کتاب منتقل شده‌اند.^۱ ارجاع به آثار افلاطون بر اساس صفحات ویرایش استیفانوس است، که تقریباً در حاشیه‌ی همه‌ی ویراست‌ها و ترجمه‌های جدید استفاده می‌شود. ارجاعاتی که داخل کروشه هستند و قبل از آنها حرف «ص» قرار گرفته است به صفحات همین کتاب هستند.